

Manutschehr Amirpur

Wörterbuch der Politik, Teil 5

Labourbewegung	نهضت کارگری
Labour Party (Labourpartei)	حزب کارگر
Labourregierung	دولت حزب کارگر
Lage	وضع
(auf)gespannte -	وضع تنشدار
außenpolitische -	وضع سیاست خارجی
explosive -	وضع انفجاری
gesunde finanzielle -	وضع مالی سالم
innenpolitische -	وضع (سیاست) داخلی
komplizierte -	وضع پیچیده
kritische -	وضع حاد
wirtschaftliche -	وضع اقتصادی
Zuspitzung der -	افزایش تنش
Lager	اردوگاه
sozialistisches -	اردوگاه سوسیالیستی
Lagerung	انباشتن
- von Atomwaffen	انباشتن سلاحهای اتمی
Lähmen	فلج کردن
Lähmung	فلج شدن
- der Wirtschaft	فلج شدن اقتصاد
Laizismus	علمانیت
Lakai	نوکر
- des Imperialismus	نوکر امپریالیسم
Land	کشور، ایالت، سرزمین
- ohne Zugang zum Meer	کشور بدون راه دریائی
assoziiertes -	کشور پیوسته
befreundetes -	کشور دوست
besetztes -	کشور اشغالی
blockfreies -	کشور غیر متعهد
dicht (dünn) besiedel-	کشور پر (کم) جمعیت
tes -	
neutrales -	کشوری طرف
östliches -	کشور شرقی
westliches -	کشور غربی
Landeoperation	عملیات پیاده کردن نیرو
Länder	کشورها، ایالات
erdölexportierende -	کشورهای صادر کننده نفت
Eigenstaatlichkeit der -	خود مختاری ایالات
Gebietshoheit der -	قلمرو ایالات، حاکمیت ارضی ایالات
Gesetzgebungskom-	صلاحیت قانونگذاری ایالات
petenz der -	

Hoheitsrechte der - Kulturhoheit der - Treuepflicht der - gegenüber dem Bund - der dritten Welt unter die Kompetenz der - fallen	حق حاکمیت ایالات قلمرو فرهنگی ایالات وظیفه وفاداری ایالات به دولت فدرال کشورهای دنیای سوم تحت صلاحیت ایالات بودن
Länderautonomie	خود مختاری ایالات
Länderbefugnisse Länderbehörden	اختیارات ایالات ادارات ایالتی
Länderkammer	مجلس ایالات
Länderkompetenz	صلاحیت ایالات
Länderregierungen	دولت های ایالات
Länderverfassungen	قوانین اساسی ایالات
Länderzuständigkeit	صلاحیت ایالات
Landesarbeitsgericht	دادگاه کار ایالتی
Landesbehörde	اداره ایالتی
Landesbürgerschaft	ضمانت ایالتی
Landesebene, auf	در سطح ایالت
Landesexekutive	قوه مجریه ایالتی
Landeshaushalt	بودجه ایالتی
Landesliste	فهرست حزب ایالتی در انتخابات
Landesminister	وزیر ایالتی
Landesministerium	وزارت ایالتی
Landesparlament	مجلس ایالتی
Landesparteiorganisation	سازمان ایالتی حزب
Landesparteitag	کنفرانس ایالتی حزب
Landespartei- vorsitzende	رئیس ایالتی حزب
Landespartei- vorstand	هیات رئیسه ایالتی حزب
Landespolitik	سیاست ایالتی
Landespolitiker	سیاستمدار ایالتی
Landesrechnungs- hof	دیوان محاسبات ایالتی
Landesrecht	قانون ایالتی

Landesregierung	دولت ایالتی
Landesverband	اتحادیه ایالتی
Landesverfassung	قانون اساسی ایالتی
Landesverfassungsgericht	دادگاه قانون اساسی ایالتی
Landesverrat	خیانت به وطن
Landesverteidigung	دفاع از وطن
Landesvorsitzender	رئیس ایالتی حزب
Landeswahlgesetz	قانون انتخابات ایالتی
Landeswährung	ارز کشور / ملی
Landeszentralbank	بانک مرکزی ایالتی
Landflucht	فرار از روستاها
Landfriedensbuch	بهم زدن آرامش کشور
Landgebiet	قلمرو ارضی
Landkreis	بخش روستائی
Landkrieg	جنگ زمینی
Landkriegsrecht	قانون جنگ زمینی
Landmacht	قدرت زمینی
Landstreitkräfte	نیروهای زمینی
Land-, Luft- und Seestreitkräfte	نیروهای زمینی و هوایی و دریائی
Landtag	مجلس ایالتی
dem - angehören	عضو مجلس ایالتی بودن
im - einbringen	به مجلس ایالتی تقدیم کردن
für den - kandidieren	نامزد عضویت مجلس ایالتی بودن
in den - wählen	به مجلس ایالتی انتخاب کردن
Landtagsabgeordneter	نماینده مجلس ایالتی
Landtagsfraktion	فراکسیون مجلس ایالتی
Landtagskandidat	نامزد مجلس ایالتی
Landtagsmandat	کرسی مجلس ایالتی
Landtagswahlen	انتخابات مجلس ایالتی
Landung	پیاده شدن
Landwirtschaft	کشاورزی

Landwirtschafts- ausschuß	کمیسیون کشاورزی
Landwirtschafts- kommission Europäische -	کمیسیون کشاورزی کمیسیون کشاورزی اروپائی
Landwirtschaftskonferenz	کنفرانس کشاورزی
Landwirtschaftsminister	وزیر کشاورزی
Landwirtschafts- ministerium	وزارت کشاورزی
Landwirtschafts- organisation	سازمان کشاورزی
Landwirtschafts- union	تحدیه کشاورزی
Landwirtschafts- verband Europäischer -	تحدیه کشاورزی تحدیه کشاورزی اروپا
langfristig	بلند مدت
Langstreckenbomber	بمب افکن دوربرد
Langstreckenrakete	موشک دوربرد
Langstreckenwaffen	سلاح دوربرد
Langzeitplanung politische -	برنامه ریزی دراز مدت تجربه ریزی سیاسی دراز مدت
Lateinamerika	آمریکای لاتین / جنوبی
Laufbahn diplomatische -	تاریخ شغلی ، سیر ارتقاء شغلی تاریخ دیپلماتیک
Leadership	رهبری
Leben Recht auf -	حقوقی ، حیات حقوقیت
Lebensbedingungen	شرایط زندگی
Lebenshaltung	سختی
Lebenshaltungskosten Index der - Verteuerung der -	هزینه زندگی شاخص هزینه زندگی تورم هزینه زندگی
Lebensinteressen	مصلحت زندگی
lebenslänglich -e Haft	زندانی تا آخر عمر زندانی تا آخر عمر
Lebensniveau Erhöhung des -s	سطح زندگی افزایش سطح زندگی

Lebensnotwendig	(ضروری) حیاتی
Lebensnotwendigkeit	ضرورت حیاتی
Lebensqualität	کیفیت زندگی
Lebensraum	فضای زندگی
Lebensstandard	سطح زندگی
Lebensweise	طریقه زندگی
Lebenswichtig	مهم و حیاتی
Lebenszeit, auf	مادام العمر
legal	قانونی
Legalismus	قانون گرایی ، مذهب اصالت قانون
Legalität	قانونی بودن ، مشروعیت
Legalitätsspinzip	اصل مشروعیت
Legat	نماینده
apostolischer -	نماینده پاپ
Legationsrat	دبیر نمایندگی سیاسی
Legationsrecht	حقوق نمایندگی سیاسی
Legatus a latere	کاردینالی که بمناسبت های خاص نه ایندگی پاپ را برعهده میگیرد .
Legislative	قوه قانونگذاری
Legislaturperiode	دوره مجلس ، دوره قانونگذاری
vorzeitige Beendigung	خاتمه زودتر از موعد دوره مجلس
der -	
Eröffnung der -	افتتاح دوره مجلس
legitim	قانونی ، شرعی
Legitimität	قانونی بودن ، مشروعیت
Lehen	تیول
Lehnswesen	فئودالیسم ، نظام ارباب رعیتی ، بزرگ مالکی
Lehre	آموزه ، تعلیم ، درس عبرت
- und Forschung	تعلیم و تحقیق
- vom Vorrang des inner-	آموزه ارجحیت قانون ملی
staatlichen Rechts	
-n ziehen aus	درس عبرت گرفتن از
Lehrfreiheit	آزادی آموزش
Lehrmeinung	آموزه ، آیین
völkerrechtliche -	آموزه های حقوق بین الملل
Leichtindustrie	صنایع سبک

Leibgarde	محافظ شخصی
Leibwache	محافظ شخصی
Leistung	کار کرد ، خدمت
Leistungsbilanz	تراز حساب جاری
Leistungsbilanzdefizit	کسری حساب جاری
Leistungsbilanzüberschuß	مازاد حساب جاری
Leistungsgesellschaft	جامعه رقابتی
Leistungsfähigkeit	کار آشی ، کفایت
leiten	رهبری کردن ، اداره کردن
Leiter	مدیر ، سرپرست
Leitung	ریاست ، سرپرستی ، اداره ، مدیریت
Leitwährung	ارز جهان روا ، پول اساسی
Lektion jmdm. eine - erteilen	درس ، درس عبرت بکسی درس عبرت دادن
Leninismus	لنینیسم ، آیین لنین
Leninist	لنین گرای ، لنین آیین
lenken	هدایت کردن
Lenkung	هدایت
Lenkungsausschuß - der Vereinten Nationen	کمیسیون هدایت کننده / هماهنگ کننده کمیسیون هماهنگ کننده سازمان ملل متحد
Lenkungsfunktion	وظیفه هدایت
Lesung in erster - in zweiter -	شور (مجلس) در شور اول در شور دوم
leugnen	انکار کردن
Leutnant	ستوان
Libanese	لبنانی (اهل)
libanesisch	لبنانی (صفت)
liberal	لیبرال ، آزادمش (صفت)
Liberaler	لیبرال ، آزادمش (اسم)
liberalisieren	لیبرال کردن
Liberalismus	لیبرالیسم ، آزاد منشی ، آزاد گری

Libyer	(اهل) لیبی
libysch	لیبی (صفت)
Liga	جامعه
Arabische -	جامعه، عرب
Internationale -	جامعه، جهانی
für Menschenrechte	حقوق بشر
Linie	خط (مشی)
gemeinsame politische -	خط (مشی) مشترك سياسى
Loyalentreue	وفاداری به خط حزبی
Linke	(جناح) چپ (گرا)
extreme -	چپ افراطی
Seite -	چپ نو
Linksabweichler	منحرف چپ گرا
Linksextremist	افراطی چپ
Linksintellektuelle	روشنفکر چپ
Linkskatholik	کاتولیک چپ گرا
Linkskoalition	ائتلاف چپ
Linksopposition	اپوزیسیون چپ
Linksorientiert	چپ گرا
Linksparteien	احزاب چپ (گرا)
Linksradikalismus	رادیکالیسم چپ
Linksregierung	دولت چپ گرا
Linkssozialist	سوسیالیست چپ گرا
liquidieren	نابود کردن ، منحل کردن
liquidierung	محو ، نابودی ، انحلال
- der Rest-Tschechei	انحلال / نابودی بقیه ، سرزمین چک
physische -	نابودی جسمانی ، کشتن
Liquidation	نقدینگی
Liste	فهرست ، لیست
schwarze -	لیست سیاه
Listenpreis	قیمت اعلان شده
Listenwahlssystem	سیستم انتخابات از روی لیست
Lizenz	امتياز
Lobbyismus	تحمیل گری ، لوبی ایسم
Lobbyist	تحمیل گر ، لوبی ایست

Lockerung - der restriktiven Politik	شل کردن شل کردن سیاست تفضیعی (پول)
Lockspitzel	جاسوس تحریک کننده
Loge	لژ
Logik	منطق
logisch	منطقی
Lohn	مزد ، اجرت
Lohnarbeiter	اجیر
Lohnerhöhung	افزایش مزد
Lohnpolitik	سیاست مزد
Lokalisierung - eines Konfliktes	محلی کردن اختلافی را به محلی منحصر ساختن
Lokalpatriotismus	محله پرستی
Lord	لرد
loslösen	جدا شدن
Loslösung - eines Gebietes - der Kolonien vom Mutter- land	تجزیه تجزیه منطقه‌ای تجزیه مستعمرات از کشور اصلی
lösen die schwebenden Fragen -	حل کردن مسائل در حال تعلیق را حل کردن
Lösung friedliche - schrittweise -	راه حل ، رفع اختلاف رفع مسألت امت میز رفع تدریجی (اختلاف)
Loyalität	وفاداری
Luftabwehr	دفاع هوایی ، پدافند هوایی
Luftabwehrrakete	موشک پدافند هوایی
Luftangriff	حمله ، هوایی
Luftaufklärung	شناسایی هوایی
Luft-Boden-Rakete	موشک هوا به زمین
Luftbrücke	پل هوایی
Lufteinheiten	واحدهای هوایی
Luftfahrt	هواپیمایی
Luftfahrtabkommen	موافقتنامه ، هوایی / هواپیمایی
Luftfahrtindustrie	صنعت هواپیمایی

Luftfahrtkommission	کمیسیون هواپیمائی
Luftfahrtministerium	وزارت هواپیمائی
Luft Herrschaft	برتری هوایی ، سلطه هوایی
Luft Hoheit	حاکمیت هوایی ، قلمرو هوایی
Luft Hoheitsgebiet	منطقه حاکمیت هوایی
Luftinspektion	بازرسی هوایی
Luftkommando strategisches -	فرماندهی هوایی فرماندهی سوق الجیشی هوایی
Luftkorridor	دالان هوایی
Luftkrieg	جنگ هوایی
Luftkriegsrecht	قوانین جنگ هوایی
Luft-Luft-Rakete	موشک هوا به هوا
Luftpirat	هواپیما ربا
Luftpiraterie	هواپیما ربائی
Luft Raum	فضا
Luftrecht	قوانین هواپیمائی
Luftschneise	دالان هوایی
Luft-See-Rakete	موشک زمین بدریا
Luft-See-Streitkräfte	نیروهای هوایی - دریائی
Luftschutz	حفاظت هوایی
Luftsperrgebiet	منطقه ممنوع هوایی
Luftstreitkräfte konventionelle - strategische - taktische -	نیروی هوایی نیروی هوایی متعارفی نیروی هوایی استراتژیک نیروی هوایی تاکتیکی
Luftstützpunkt	پایگاه هوایی
Luftüberlegenheit	تفوق / برتری هوایی
Luftüberwachung	دیده بانی هوایی
Luftverkehr	ترابری هوایی ، ترافیک هوایی
Luftverkehrsabkommen	موافقتنامه ترافیک هوایی - ترابری هوایی
Luftverschmutzung	آلودگی هوا
Luftverteidigung	پدافند هوایی
Luftwaffe	نیروی هوایی

Luftwaffenstützpunkt	پایگاه پدافند هوایی
Lutherischer Weltbund	اتحادیه جهانی لوتریان
Luthertum	لوتر آئینی
Lynchjustiz	دادرسی مثله کنی
Machenschaften	دسایس ، دوز و کلک
Machiavellismus	ماکیاولیسم ، سیاست ترجیح قدرت بر اخلاق
Machiavellist	ماکیاولیست
Macht	قدرت
atomare -	قدرت اتمی
kriegführende -	قدرت محارب
militärische -	قدرت نظامی
politische -	قدرت سیاسی
unbeschränkte -	قدرت نامحدود
verfassungsmäßige -	قدرت قانونی ، قدرت مبتنی بر قانون اساسی
wirtschaftliche -	قدرت اقتصادی
zivile -	مقامات (قدرت) غیر نظامی
zweitrangige -	قدرت درجه دو
auf dem Höhepunkt seiner -	برنقطه ، اعلی قدرتش
Rückkehr an die -	بازگشت به قدرت
Wettlauf um die -	مسابقه قدرت
- ausüben	قدرت بکار بردن
an der - bleiben	برسر قدرت ماندن
die - ergreifen	قدرت را بدست گرفتن / قبضه کردن
sich an der - halten	خود را برسر قدرت نگهداشتن
sich an die - klammern	به قدرت چسبیدن
an die - kommen	به قدرت رسیدن
die - übernehmen	قدرت را برعهده گرفتن
die - verlieren	قدرت را باختن
Machtapparat	دستگاه قدرت
Machtbasis	پایه ، قدرت
Machtbefugnisse	اختیارات (قدرت)
Machtbereich	حوزه ، قدرت / نفوذ
Machtblock	بلوک قدرت
Mächte	قدرت ها
alliierte und assoziierte -	قدرت های متفق و پیوسته
drei -	سه قدرت
europäische -	قدرت های اروپایی
neutrale -	قدرت های بیطرف
Gleichgewicht der -	توازن قدرتها
Machtergreifung	قبضه کردن قدرت
Machtfaktor	عامل قدرت
Machtgefüge	ساختار قدرت

Machtgleichgewicht	توازن قدرت
militärisches -	توازن قدرت نظامی
strategisches -	توازن استراتژیک قدرت
Machthunger	حرص قدرت
Machthaber	صاحبان قدرت
Machtinstrument	ابزار قدرت
Machtinteressen	مصالح قدرت
Machtkampf	مبارزه قدرت
parteiinterner -	مبارزه قدرت درون حزبی
partei-politischer -	مبارزه قدرت حزبی
Machtkonsolidierung	تحکیم قدرت
Machtkonzentration	تمرکز قدرت
Machtlosigkeit	بی قدرتی
Machtmechanismus	مکانیسم قدرت
Machtmissbrauch	سوء استفاده از قدرت
Machtmittel	اختیارات
Machtpluralismus	تعدد قدرت
Machtpolitik	سیاست قدرت
Machtpolitiker	سیاستمدار قدرت طلب
Machtposition	مقام قدرت
Machtstellung	مقام قدرت
Machtstreben	قدرت طلبی
Machtstruktur	ساختار قدرت
Machtteilung	تفکیک قدرت ، مشارکت در قدرت
Machtübernahme	عهددار شدن قدرت ، بدست گرفتن قدرت
- durch das Militär	بدست گرفتن قدرت از طرف نظامیان
Machtüberschreitung	از محدوده اختیارات خارج شدن
Machtverteilung	تقسیم قدرت
Machtwechsel	تغییر در رأس قدرت
Machtzentrale	مرکز قدرت
Machtzusammenballung	تمرکز قدرت
Machtzuwachs	افزایش قدرت
Magnot-Linie	خط ماژینو

Magistrat	شورای شهر
Magistratsmitglied	عضو شورای شهر
Magistratssitzung	جلسه شورای شهر
Maharadscha	مهاراجه
Maharani	زن مهاراجه
Mahdi	مهدی
Mahnmal	یادبودگاه
Majestät	اعلیحضرت ، علیاحضرت
Majlis	مجلس
Major	سرگرد
Majorität	اکثریت
Majoritätsbeschluß	تصویبنامه اکثریت
Majoritätsbeteiligung	مشارکت بابیشترین سهم
Majoritätsprinzip	اصل اکثریت
Makroökonomie	اقتصاد کلان
Mandarin	مامورعالیرتبه (درچین قبل از انقلاب)
Mandat imperatives - parlamentarisches - sein - behalten sein - niederlegen	کرسی (مجلس) ، وکالت (ازطرف مردم در مجلس) وکالت آمرانه ، وکالت تحت اوامر حزب کرسی مجلس / پارلمانی کرسی خود را حفظ کردن از وکالت مجلس استعفادادن
Mandatar	وکیل
Mandatarstaat	دولت قیم / سرپرست
Mandatsausübung	اعمال وکالت
Mandatsgebiet	سرزمین تحت قیمومیت
Mandatsmacht	قدرت قیم / سرپرست
Mandatssystem	نظام قیمومیت / سرپرستی
Mandatsniederlegung	استعفا از وکالت
Mandatsverlängerung	تمدید وکالت
Mandatsverlust	از دست دادن کرسی مجلس
Mandatsverteilung	تقسیم کرسی‌های مجلس
Mandatszahl	تعداد کرسی‌ها
Mangel	نقص

Manifest	بیانیه
Kommunistisches -	بیانیه، کمونیست، مانیفست کمونیستی
Manipulation	دخل و تصرف، دستکاری
manipulieren	دخل و تصرف کردن، دستکاری کردن
Mann	مرد
der kranke - am Bosphorus	مرد بیمار در ساحل بسفر (سلطان عثمانی)
der starke -	مرد قوی
Männerwahlrecht	حق انتخاب مردان
Manöver	مانور
parteiinterne -	مانور درون حزبی
parteilpolitische -	مانور حزبی
manövrieren	مانور دادن
Macismus	مائوئیسم
Macist	مائوئیست
Marathonsitzung	جلسه، بسیار طولانی
Marine	نیروی دریایی
Marineabwehrdienst	خدمت دفاع دریایی
Marineattachè	وابسته دریایی
Marineinfanteristen	تفنگداران دریایی، تکاوران دریایی
Marineminister	وزیر نیروی دریایی
Marinestützpunkt	پایگاه دریایی
Marionettenregierung	دولت دست نشانده
Marionettenregime	رژیم دست نشانده
Mark	مارك
Markt	بازار
freier -	بازار آزاد
Gemeinsamer -	بازار مشترك
Marktintervention	مداخله در بازار
Marktkräfte	نیروهای بازار
Marktmonopol	انحصار بازار
Marktnachfrage	تقاضای بازار
Marktordnung	نظام / مقررات بازار
Marktpolitik	سیاست بازار
Marktverhältnisse	شرایط بازار

Marktwirtschaft	اقتصاد بازار -
freie -	اقتصاد بازار آزاد
gelenkte -	اقتصاد ارشادی بازار
soziale -	اقتصاد اجتماعی بازار
Marokkaner	مراکشی (اهل)
marokkanisch	مراکشی (صفت)
Maronit	مارونی
Marsch	راه پیمائی
Marschall	مارشال
Marschflugkörper	موشک هدایت شونده کروز
Marshallplan	برنامه مارشال
Märtyrer	شهید
Marxismus	مارکسیسم ، آیین مارکس
Marxismus-Leninismus	مارکسیسم - لنینیسم
Marxist	مارکسیست ، مارکس آیین
marxistisch	مارکسیستی
Massaker	قتل عام ، کشت وکشتار
Masse	توده
die werktätigen -n	توده‌های زحمتکش
Massenarbeitslosigkeit	بیکاری (توده‌های) انبوه
Massenbewegung	نهضت توده‌ای
Massendemokratie	دموکراسی توده‌ای
Massenentlassung	اخراج جمعی
Massenerhebung	قیام توده‌ای
Massenerschießung	تیرباران دسته جمعی
Massengesellschaft	جامعه توده‌ای
industrielle -	جامعه صنعتی توده‌ای
Massengrab	قبر جمعی
Massengüter	کالاهاى توده‌ای
Massenhinrichtung	اعدام جمعی ، قتل عام
Massenkonsum	مصرف انبوه
Massenmedien	رسانه‌های گروهی ، وسایل ارتباط جمعی
Massenmord	قتل عام

Massenorganisation	سازمان توده‌ای
Massenpartei	حزب توده‌ای
Massenproduktion	تولید انبوه ، بسفرآوری
Massenverhaftung	توقیف عمومی
Massenvernichtungs- -ziffen	سلاحهای بسویرانگر
Maßnahmen	اقدامات ، تدابیر
behördliche -	اقدامات اداری
diskriminierende -	اقدامات تبعیضی
entschlossene -	اقدامات مصممانه
sozialpolitische -	اقدامات اجتماعی سیاسی
staatliche -	اقدامات دولتی
vertrauensbildende -	اقدامات اعتماد انگیز
vorbeugende -	اقدامات پیش گیرنده
Maßregel	مقررات ، نظام
Maßstab	مقیاس ، معیار
Material	ماده
spaltbares -	ماده تجزیه پذیر
Materialismus	ماتریالیسم ، ماده آئینی ، مادیگری ، آئین مادی
dialektischer -	ماتریالیسم دیالکتیک ، ماده آئینی جدلی
historischer -	ماتریالیسم تاریخی ، ماده آئینی تاریخی
Materialist	ماتریالیست ، ماده آئین ، مادیگر
materialistisch	مادی گرانه
materiell	مادی
Mauer	دیوار
Berliner -	دیوار برلین
Maulkorb	پوزهبند ، منع اظهار نظر
Mauretanier	اهل موریتانی
Mausoleum	مقبره ، ضریح
maximieren	بحد اکثر رساندن
Maximierung	بحد اکثر رسانی
Maximum	حداکثر
mechanisieren	مکانیزه کردن ، ماشینی کردن
Mechanisierung	مکانیزه کردن
- der Landwirtschaft	مکانیزه کردن کشاورزی
Medien	رسانه ها
Meer	دریا
geschlossen -	دریای بسته
offenes -	دریای آزاد

Meerenge	سنگ
Meerengenabkommen	سیر تقسیمه تنگها
Mehrausgaben	هزینههای اضافی
Mehreinnahmen	درآمدهای اضافی
Mehrfachgefechtsskopf atomarer -	تلاش جنگی چندگانه تلاش اتمی چندگانه
Mehrheit	کثرت
absolute -	کثرت مطلق
einfache -	کثرت ساده
große -	کثرت بزرگ
klare -	کثرت چشم گیر
knappe -	کثرت ضعیف / قلیل
notwendige -	کثرت ضروری
parlamentarische -	کثرت پارلمانی ، اکثریت مجلس
schwache parlamen- tarische -	کثرت ضعیف پارلمانی
qualifizierte -	کثرت صلاحیت دار
regierungsfähige -	کثرت قادر به حکومت
regierungstreue -	کثرت وفادار به دولت
relative -	کثرت نسبی
schwache -	کثرت ضعیف
schweigende -	کثرت ساکت
- der abgegebenen Stimmen erhalten	کثرت آراء را اخذ کردن
mit großer - annehmen	- کثرت بزرگی پذیرفتن
die absolute - besitzen	کثرت مطلق را داشتن
die - erringen	کثرت آراء را اخذ کردن
mit einfacher - gewählt werden	- کثرت ساده انتخاب شدن
Mehrheitsauffassung	غیر کثرت
Mehrheitsbericht	گزارش اکثریت
Mehrheitsbeschluß	صورت بندی / تصمیم اکثریت
Mehrheitsbeteiligung	مشارکت با اکثریت سهام
Mehrheitsentscheidung	تصمیم اکثریت
Mehrheitsfraktion	گروه کثرت
Mehrheitspartei	حزب کثرت
Mehrheitsprinzip	مهر کثرت
Mehrheitsregierung	حکومت متکی بر اکثریت
Mehrheitswahl	انتخاب با اکثریت آراء
absolute -	انتخاب با اکثریت مطلق آراء
relative -	انتخاب با اکثریت نسبی آراء
Mehrheitswahlssystem	نظام انتخاب با اکثریت آراء
Mehrparteiparlament	مجلس چند حزبی

*Mehrparteiensystem	نظام چند حزبی
*Mehrressengesellschaft	جامعه چند نژادی
*Mehrstaatigkeit	چند ملیتی
*Mehrstimmenrecht	حق تعدد آراء
*Mehrstufenrakete	موشک چند مرحله‌ای
Meinung	نظر ، عقیده
abweichende -	نظر متفاوت
einheitliche -	نظر اجماعی
gegenwärtige -	نظر مخالف
öffentliche -	افکار / نظر عمومی
vereinbarte -	اتفاق نظر
Meinungsänderung	تغییر عقیده
Meinungsaustausch	تبادل نظر
offener -	تبادل نظر بی تکلف
Meinungsausprägung	اظهار نظر / عقیده
freie -	اظهار نظر / عقیده ، آزاد
Meinungsbefragung	نظر خواهی
Meinungsforscher	بررسی کننده عقاید عمومی
Meinungsforschung	بررسی عقاید عمومی
Meinungsfreiheit	آزادی عقیده
Meinungsumfrage	بررسی عقاید عمومی
Meinungsverschiedenheit	اختلاف نظر / عقیده
innerparteiliche -	اختلاف عقاید درون حزبی
wegen politischer -en	بعلت اختلاف نظرات / عقاید سیاسی استعفادادن
zurücktreten	
Meistbegünstigung	کامله الوداد
Meistbegünstigungsklausel	شرط کامله الوداد
Meistbegünstigungsprinzip	اصل کامله الوداد
Meistbegünstigungstarif	تعرفه کامله الوداد
Memorandum	تذکاریه
Meldung	خبر
Menge	توده ، مردم
aufgebrachte -	توده ، خشمگین
Menschenraub	آدم ربائی
Menschenrechte	حقوق بشر
Allgemeine Erklärung	اعلامیه ، همگانی حقوق بشر
der -	

Schutz der - die - verletzen	حفظ حقوق بشر به حقوق بشر تجاوز کردن
Menschenrechtsgerichtshof	دیوان حقوق بشر
Menschenrechtskommission	کمیسیون حقوق بشر
Menschenrechtskonvention	کنوانسیون حقوق بشر
Menschenwürde	کرامت انسانی
Menscheviki	منشویک
Menschheit	انسانیت ، بشریت
menschlich	انسانی ، بشری
Menschlichkeit	انسانیت
Merkantilismus	مکتب سوداگری
Merkantilsystem	نظام سوداگری
Merkantiltheorie	نظریه سوداگری
Merkmal	نشانه ، علامت
Methode	روش ، متد
Meuterei	سرکشی، تمرد، نافرمانی ، طغیان
Meuterer	متمرد، سرکش
meutern	تمرد کردن ، سرکشی کردن ، نافرمانی کردن
Mexikaner	مکزیک‌یی (اهل)
mexikanisch	مکزیک‌یی (صفت)
Migration	مهاجرت (از روستا به شهر)
Militär	نظامی
Militäradministration	حکومت / اداره نظامی
Militärallianz	اتحاد نظامی
Militärapparat	دستگاه نظامی
Militärarsenal	قور خانه
Militärattaché	وابسته نظامی
Militärausgaben	هزینه‌های نظامی
Militärausschuß	کمیته نظامی ، کمیسیون نظامی
Militärbasis	پایگاه نظامی
Militärbehörden	ادارات نظامی

Militärbeobachtungsgruppe	گروه دیده بانی نظامی
Militärberater	مشاور نظامی
Militärblock	بلوک نظامی
Militärbündnis	اتحادیه / پیمان نظامی
Militärdelegation	هیات (نماینده) نظامی
Militärdepartment	بخش نظامی
Militärdienst	خدمت نظامی
Militärdiktatur	دیکتاتوری نظامی
Militärflugzeug	هواپیمای نظامی
Militärgericht Internationales -	دادگاه نظامی دادگاه نظامی بین المللی
Militärgerichtsbarkeit	صلاحیت قضائی نظامی
Militärgouverneur	فرماندار نظامی
Militärhaushalt	بودجه نظامی
Militärherrschaft	سلطه نظامی ، حکومت نظامی
Militärhilfe	کمک نظامی
Militärhilfeabkommen	موافقتنامه کمک های نظامی
Militärhilfeprogramm	برنامه کمک های نظامی
Militärinternierter	زندانی نظامی
militärisch	نظامی
Militarismus	نظامیگری
Militarist	نظامی آئین
Militärjunta	خونتای نظامی
Militärkommission	کمیسیون نظامی
Militärkonvention	کنوانسیون نظامی
Militärkreise	محافل نظامی
Militärmacht	قدرت نظامی
Militärmission	نماینده / ماموریت نظامی
Militärpakt	پیمان نظامی
Militärpersonal	پرسنل نظامی
Militärpotential	قوه نظامی

Militärrat	شورای نظامی
Militärputsch	کودتای نظامی
Militärregierung Sturz der -	دولت نظامی سقوط دولت نظامی
Militärregime	رژیم نظامی
Militärregion	منطقه نظامی
Militärsprecher	سخنگوی نظامی
Militärstab	ستاد نظامی
Militärstrategie	استراتژی نظامی
Militärstützpunkt	پایگاه نظامی
Militärunruhen	شورش نظامی
Militärunterhändler	مذاکره کننده، نظامی
Militärverhandlungen	مذاکرات نظامی
Militärverwaltung	اداره، نظامی
Militokratie	نظامی سالاری، حکومت نظامیان
Miliz phalangistische -en	نیروی شبه نظامی نیروهای شبه نظامی الکتائب
Milizsoldat	سرباز شبه نظامی
Minderheit in der - sein nationale - religiöse -	اقلیت در اقلیت بودن اقلیت ملی / قومی اقلیت مذهبی
Minderheitenfrage	مسئله اقلیت ها
Minderheitenrechte	حقوق اقلیت ها
Minderheitenschutz	حمایت اقلیت ها
Minderheitsbericht	گزارش اقلیت
Minderheitsbeteiligung	مشارکت با سهم حداقل
Minderheitsfraktion	فراکسیون اقلیت
Minderheitsgruppe	گروه اقلیت
Minderheitskabinett	کابینه، اقلیت
Minderheitspartei	حزب اقلیت
Minderheitsregierung	دولت اقلیت
Minderheitsvotum	رای اقلیت

*Abschwächung	تقلیل ، کاهش ، تخفیف
*Abschlagslohn	حداقل مزد
*Abschlagslohnpolitik	سیاست حداقل مزد
*Abschlagspreissystem	نظام حداقل قیمت ها
*Abschlagsreserve	حداقل ذخایر ، ذخایر اجباری
*Abschlagen	مین
*Abschlagen legen	مین گذاری کردن
*Absetzer	وزیر
absetzender -	قائم مقام وزیر
absetzermächtigt -	وزیر تمام اختیار
absetzermäßig -	با سابقه ترین وزیر
Absetzung eines -s	برکناری وزیری
Ernennung eines -s	انتصاب وزیری
Rücktritt eines -s	استعفاى وزیری
Verantwortlichkeit eines -s	مسئولیت وزیری
- für besondere Aufgaben	وزیر وظایف ویژه
- ohne Geschäftsbereich	وزیر مشاور
einem - das Mißtrauen	
aussprechen	به وزیر رای عدم اعتماد دادن
einen - in ein Ressort be-	
rufen	وزیر یرایه وزارتی منصوب کردن
einen - entlassen	وزیری را برکنار کردن
einen - ernennen	وزیری را منصوب کردن
*Absetzungsverfahren	دادخواهی علیه وزیر
*Absetzungsamt	مقام وزارت
Anspruch auf ein -	استحقاق مقام وزارت
Berufung in ein -	انتصاب به مقام وزارت
Entlassung aus einem -	برکناری از مقام وزارت
ein - bekleiden	مقام وزارت را برعهده داشتن
in ein - berufen	به مقام وزارت منصوب کردن
*Absetzungsanwärter	نامزد / داوطلب وزارت
*Absetzungsamt	کمیسیون وزیران / وزارتی
*Absetzungsbank	نیمکت / جایگاه وزیران
*Absetzungsbeschluss	تصویب نامه ، وزارتی ، تصویب نامه هیات وزیران
*Absetzungsdelegation	هیات وزارتی
*Absetzerebene, auf	در سطح وزیر
*Absetzerentscheidung	تصمیم وزیر
*Absetzererfahrung	تجربه وزارتی
*Absetzerfunktionen	وظایف وزارتی
*Absetzergehalt	حقوق وزیر
*Absetzerhausmacht	قدرت درون حزبی وزیر

Ministerhierarchie	سلسله مراتب وزارتی
ministerial	وزارتی
Ministerialbürokratie	بروکراسی / دیوانسالاری وزارتی
Ministererlaß	دستور وزارتی ، فرمان وزارتی
Ministerialstruktur	ساختار وزارتی
Ministerien	وزارتخانهها
klassische -	وزارتخانههای اصلی
Neuordnung der -	نوسازماندهی وزارتخانهها
Zusammenlegung der -	ادغام وزارتخانهها
Ministerium	وزارت ، وزارتخانه
- für Arbeit und Sozialwesen	وزارت کار و امور اجتماعی
- für Außenhandel	وزارت بازرگانی خارجی
- für Auswärtige Angelegenheiten	وزارت امور خارجه
- für Bauwesen	وزارت ساختمان
- für Bildung und Erziehung	وزارت آموزش و پرورش
- für Bodenschätze (Bergbau)	وزارت معادن و فلزات
und Metalle	
- für Fremdenverkehr	وزارت جهانگردی
- für Gesundheit	وزارت بهداشت
- für Information	وزارت اطلاعات
- für Inneres	وزارت کشور / داخله
- für Jugend und Sport	وزارت جوانان و ورزش
- für Justiz	وزارت دادگستری
- für Kultur	وزارت فرهنگ
- für Landwirtschaft	وزارت کشاورزی
- für Verkehr und Transport	وزارت راه و ترابری
- für Verteidigung	وزارت دفاع
- für Wirtschaft und Finanzen	وزارت اقتصاد و دارایی
ein - leiten	
an der Spitze eines -s stehen	سرپرستی وزارتخانه‌ای را برعهده داشتن
ein - übernehmen	دراست وزارتخانه‌ای بودن
in ein anderes - überwechseln	امور وزارتخانه‌ای را برعهده گرفتن به وزارتخانه، دیگری تغییر محل دادن
Ministerkrise	بحران وزارتی
Ministerlaufbahn	کاربر وزارتی
Ministermannschaft	تیم / گروه وزارتی ، همکاران وزیر
Ministerposten	مقام وزارتی
Ministerpräsident	نخست وزیر
Ministerpräsidenten- konferenz	کنفرانس هماهنگی نخست وزیران ایالات
Ministerrang	مقام وزارت
Ministerrat	
Präsident des -es	شورای وزیران ، هیات وزیران
Vorsitz im -	رئیس هیات وزیران
den - einberufen	ریاست هیات وزیران
im - den Vorsitz führen	هیات وزیران را به تشکیل جلسه فرا خواندن در هیات وزیران ریاست جلسه را برعهده داشتن

Ministerratssitzung	جلسه هیات وزیران
Ministerresidenz	اقامتگاه وزیر
Ministerrücktritt	استعفاى وزیر
Ministersitzung	جلسه وزیران ، جلسه وزارتی
Ministertreffen	کنفرانس وزارتی
Ministerverantwortlichkeit	مسئولیت وزیر
Ministralität	لیاقت وزارت
Minorität	اقلیت
missbilligen	رد کردن ، نپسندیدن
Missbilligung	رد ، عدم تصویب
Mißbrauch - der Amtsgewalt	سوء استفاده سوء استفاده از اختیارات اداری
missdeuten	سوء تعبیر کردن
Missdeutung	سوء تعبیر
Miss Erfolg	ناکامی ، عدم توفیق
Misshandlung - von Kriegsgefangenen	بد رفتاری بدرفتاری با اسرای جنگی
Mission diplomatische - ständige -	ماموریت ، نمایندگی ماموریت دیپلماتیک ، نمایندگی سیاسی نمایندگی دائمی
Missionschef	رئیس ماموریت
Missionsgebäude	ساختمان نمایندگی سیاسی
Misstrauen - aussprechen	عدم اعتماد رای عدم اعتماد دادن
Misstrauensantrag einbringen - ablehnen einbringen - einbringen	درخواست رای عدم اعتماد درخواست رای عدم اعتماد را رد کردن درخواست رای عدم اعتماد را تقدیم کردن
Misstrauensvotum konstruktives - durch einbringen - stürzen	رای عدم اعتماد رای عدم اعتماد سازنده برای عدم اعتماد ابرانداختن
Missverständnis	سوء تفاهم
Misswirtschaft	سوء مدیریت
Mitarbeiter ehrenamtlicher -	همکار همکار افتخاری
Mitbestimmung	مدیریت مشترک (کارگرو کارفرما)
Mitbürger	همشهری ، هموطن

Mitglied	عضو
assoziiertes -	عضو وابسته
förderndes -	عضو مشوق
nichtständiges -	عضو موقت / غیردائم
ordentliches -	عضو کامل
ständiges -	عضو دائمی
stellvertretendes -	عضو جانشین
stimmberechtigtes -	عضو با حق رای
nicht stimmberechtigtes -	عضو بدون حق رای
- des Bundestages	عضو مجلس ملی
Mitglieder	اعضا
- des Ausschusses	اعضای کمیسیون
ausscheidende -	اعضای کناره گیر
neue -	اعضای نو
ursprüngliche -	اعضای اصلی
- der Vereinten Nationen	اعضای اصلی سازمان ملل متحد
Mitgliedsbeitrag	حق عضویت
Mitgliedsbuch	دفترچه عضویت
Mitgliedschaft	عضویت
freiwillige -	عضویت داوطلبانه
volle -	عضویت کامل
Antrag auf -	تقاضای عضویت
Mitglieds Klausel	شرط پذیرش اعضا
Mitgliedsland	کشور عضو
Mitgliedsregierung	دولت عضو
Mitgliedsstaat	کشور / دولت عضو
Beiträge der -en	کمک های مالی کشورهای عضو
Mitläufer	همراه عقیدتی
mitteilen	اطلاع دادن ، ابلاغ کردن
Mitteilung	اطلاعیه ، ابلاغیه
Mitte	میان ، وسط ، مرکز ، میانگاه
politische -	میانگاه سیاسی
Partei der -	حزب میان راه
Mitte-Links-Regierung	دولت میانی - چپ
Mittel	وسيله ، ابزار مالی ، وجوه
öffentliche -	وجوه عمومی
staatliche -	وجوه دولتی
Mittelamerika	امریکای مرکزی
Mittelasien	آسیای مرکزی
Mitteleuropa	اروپای مرکزی
mittelfristig	میان مدت

Mittelmächte	قدرتهای متوسط
Mittelmeerpolitik	سیاست مدیترانه
Mittelmeerraum	منطقه مدیترانه
Mittelschicht	طبقه متوسط
Mittelstand	طبقه متوسط
Mittelstreckenrakete	موشک میان برد / برد متوسط
Mittlerer Osten	خاور میانه
Mitunterzeichner	هم امضا
Mob	انبوه غیرمتشکل مردم ، انبوه غوغاگر
mobilisieren	بسیج کردن
Mobilisierung	بسیج
Mobilität	تحرك
- der Arbeitnehmer	تحرك نیروی کار
mobilmachen	بسیج کردن
Mobilmachung	بسیج
allgemeine -	بسیج عمومی
Moçambique	موزا مبیك
Modell	مدل
Modernisierung	نوسازی
Modernismus	نوآئینی ، تجد دطلبی
Modernist	نوآیین ، تجد د طلب
Modifizierung	تغییر ، تعدیل
Modus Operandi	شیوه عمل
Modus Vivendi	شیوه زیست ، شیوه همزیستی قابل تحمل بین طرفین (بدون زمینه حقوقی)
Molotow-Cocktail	کوکتیل مولوتف ، بطری پر از بنزین و فسفر برای استفاده بعنوان نارنجك
Monarchie	حکومت سلطنتی ، سلطنت
absolute -	سلطنت مطلق
erbliche -	سلطنت موروثی
konstitutionelle -	سلطنت مشروطه
parlamentarische -	سلطنت پارلمانی
monarchisch	سلطنتی
Monarchismus	سلطنت طلبی
Monarchist	سلطنت طلب
Monatsbericht	گزارش ماهانه

Mongole	مغول
mongolisch	مغولی
Monokratie	تکسالاری
Monopol staatliches -	انحصار انحصار دولتی
Monopolbourgeoisie	بورژوازی انحصاری
monopolisieren	به انحصار درآوردن
Monopolist	انحصار طلب
monopolistisch	انحصار گرانه
Monopolkapitalismus	سرمایه‌داری انحصارگر
Monopolmacht	قدرت انحصارگر
Monopolstellung	موقعیت انحصاری
Monostruktur	تک ساختار
Montanunion	اتحادیه زغال و فولاد اروپا
Montanindustrie	صنعت معدن و فولاد
Monowirtschaft	اقتصاد یکجانبه
Moral die - beeinträchtigen die - der Armee	روحیه، اخلاق به روحیه مدمه‌زدن روحیه ارتش
moralisch	اخلاقی، ارزشهای اخلاقی
Mord	قتل
morden	بقتل رساندن
Mörder	قاتل
Moskauer Vertrag	قرارداد مسکو
Moslem auch: Muslim	مسلم
Moslembrüder	اخوان مسلمین (الاخوان المسلمون)
moslemisch	اسلامی
Motivation	انگیزه
Mourabitoun	مرابطون
Mufti	مفتی
multilateral	چند جانبه
multinational	چند ملیتی

Multiplikator	تکثیرکننده
Multipolar	چند قطبی
Multis	چندملیتی‌ها
Münchener Abkommen	قرارداد مونیخ
Mut	شجاعت
mutig	شجاع
Mutterland	مادام وطن ، میهن
Nachbarrecht internationales -	حقوق همجواری حقوق همجواری بین‌الملل
Nachbarschaft	همجواری
Nachbarstaat	دولت همجوار
Nachfolge Anspruch auf die - Kampf um die - Kandidat für die - für die - kandidieren	جانشین حق / ادعای جانشینی مبارزه برای جانشینی نامزد جانشینی نامزد جانشینی شدن
nachfolgen	جانشین شدن
Nachfolger designierter - präsumptiver - - in einem Amt zum - ernennen	جانشین جانشین منتصب / منتخب جانشین محتمل جانشین اداری به جانشینی منصوب کردن
Nachfolgestaat	دولت جانشین
Nachfolgestreit	دعوی جانشینی
Nachfolgeverhandlungen	مذاکرات متعاقب
Nachfolgevertrag	قرارداد متعاقب
Nachfrage inflationäre - konsumtive - saisonale - Angebot und -	تقاضا تقاضای تورمی تقاضای مصرفی تقاضای فصلی عرضه و تقاضا
nachgeben	گذشت کردن
Nachkriegsgeschichte	تاریخ بعداز جنگ
Nachkriegsgeneration	نسل بعداز جنگ
Nachkriegsgesellschaft	جامعه بعداز جنگ
Nachkriegsperiode	دوره بعداز جنگ

Nachricht	خبر
Nachrichtenagentur	خبرگزاری
Nachrichtendienst militärischer -	سازمان امنیت و اطلاعات ، سازمان اطلاعات امنیتی سازمان اطلاعات نظامی
Nachruf	رثاء
Nachtsitzung	جلسه شبانه
Nachtragsabkommen	موافقتنامه الحاقی / تکمیلی
Nachwahl	انتخابات میاندوره‌ای
Naher Osten	خاور نزدیک / میانه
Nahostkonflikt	اختلاف خاورمیانه
Nahostkrieg	جنگ خاورمیانه
Nahostproblem	مسئله خاورمیانه
Nahziel	هدف نزدیک
Name im -n der Regierung von in meinem und im -n der Regierung von ... im -n meiner Regierung	نام بنام دولت ... بنام خودم و بنام دولت ... بنام دولتتم
namibisch	نامیبیائی (صفت)
Napalm	ناپالم ، ماده آتش‌زا
Napalmbombe	بمب ناپالم ، بمب آتش‌زا
Nasserismus	ناصریسم ، ناصرآیینی
Nasserist	ناصریست ، ناصرآیین
Nation deutsche -	ملت ملت آلمان
national	ملی
Nationalbank	بانک ملی
Nationalbewegung	نهضت ملی
Nationalbewußtsein	شعور ملی ، آگاهی ملی
Nationalcharta	مذکور ملی
Nationaldemokrat	دموکرات ملی
Nationaldemokratische Partei	حزب دموکرات ملی
Nationale Befreiungsfront	جبهه آزادیبخش ملی

Nationaleinkommen	درآمد ملی
Nationaler Sicherheitsrat	شورای امنیت ملی
Nationalfarben	رنگهای ملی
Nationalfeiertag	روز ملی
Nationalflagge	پرچم ملی
Nationalgarde	گارد ملی
Nationalhymne	سرود ملی
nationalisieren	ملی کردن
Nationalismus	ملت گرایی، ملت آیینی، ناسیونالیسم
Nationalist	ملت گرا، ناسیونالیست، ملت آیین
Nationalität	ملیت، تابعیت
Nationalitätenfrage	مسئله ملیتها
Nationalitätenkammer	مجلس ملتها
Nationalitätenstaat	کشور چندملیتی
Nationalitätensowjet	(مجلس) شورای ملیتها
Nationalökonomie	اقتصاد ملی
Nationalrat	شورای ملی
Nationalsozialismus	سوسیالیزم ملی، نازی آیینی
Nationalsozialist	نازی، ناسیونال سوسیالیست، سوسیالیست ملی
Nationalstaat	دولت ملی
Nationaltrauer	عزای ملی
Nationalvermögen	دارائی ملی
Nationalversammlung	مجلس ملی
Nato	ناتو
Abk. für: North Atlantic Treaty Organization	سازمان پیمان اتلانتیک شمالی
- Ausschuß für Verteidigungsplanung	کمیسیون ناتو برای برنامه ریزی دفاعی
- Außenministerkonferenz	کنفرانس وزرای خارجه ناتو
- Bündnispartner	اعضای پیمان ناتو
- Führungsstab	ستاد فرماندهی ناتو
- Geltungsbereich	قلمرو ناتو
- Generalsekretär	دبیر کل ناتو
- Generalsekretariat	دبیرخانه ناتو
- Hauptquartier	مرکز فرماندهی ناتو
- Konferenz	کنفرانس ناتو
- Länder	کشورهای عضو ناتو

- Militärausschuß	کمیسیون نظامی ناتو
- Ministerrat	شورای وزیران ناتو
- Mitgliedsstaaten	کشورهای عضو ناتو
- Rat	شورای ناتو
- Streitkräfte	نیروهای نظامی ناتو
- Verbündete	متفقین ناتو
naturalisieren	به تابعیت پذیرفتن، بومی کردن
Naturalisierung	پذیرش به تابعیت
Naturalisierungsurkunde	سند پذیرش به تابعیت
Naturrecht	حق طبیعی ، قانون طبیعی
Naturschutz	حفظ طبیعت
Nazi	نازی
Nazismus	نازیگری ، نازی آیینی
Naziverbrecher	حامیان نازی
Nebenausschuß	کمیسیون فرعی
Nebenschauplatz	صحنه فرعی
Nebenwirkungen politische -	عوارض جنبی عوارض جنبی سیاسی
Negus	نجاشی (عنوان پادشاه حبشه)/پادشاه حبشه
Nehmerstaat	کشور گیرنده
Nein-Stimme	رای منفی
Neofaschismus	فاشیسم نو
Neokolonialismus	استعمارگری نو
Nervenkrieg	جنگ اعصاب
Nettoeinkommen	درآمد خالص
Netto Gehalt	حقوق خالص
Nettosozialprodukt	تولید خالص ملی
Nettovolkseinkommen	درآمد خالص ملی
Neujahrsansprache	پیام سال نو
Neujahrsbotschaft	پیام سال نو
Neujahrempfang	ضیافت سال نو
Neuordnung	تجدید سازمان
neutral	بیطرف
neutralisieren	خنثی کردن

Neutralisierung	خنثی سازی
Neutralismus	بیطرفی آیینی
Neutralität	بیطرفی
bewaffnete -	بیطرفی مسلحانه
parteipolitische -	بیطرفی حزبی
die - verletzen	از بیطرفی تخلف کردن
Neutralitätsbruch	تخلف از بیطرفی
Neutralitätserklärung	اعلام بیطرفی
Neutralitätspolitik	سیاست بیطرفی
Neutralitätsrecht	حق بیطرفی
Neutralitätsverletzung	تخلف از بیطرفی
Neutralitätsvertrag	قرارداد بیطرفی
neutralitätswidrig	خلاف بیطرفی
Neutronenbombe	بمب نوترون
Neuwahlen	انتخابات نو
vorgezogenen -	انتخابات قبل از موعد
Ausschreiben von -	اعلام انتخابات نو
Nichtabkommensland	کشور غیر عضو قرارداد
Nichtandrohung	عدم تهدید
Nichtanerkennung	برسمیت نشناختن
Nichtangriffspakt	پیمان عدم تجاوز
Nichtangriffsverpflichtung	تعهد عدم تجاوز
Nichtbeteiligung	عدم مشارکت
Nichteinmischung	عدم مداخله
Grundsatz der -	اصل عدم مداخله
Politik der -	سیاست عدم مداخله
- in die inneren Angelegenheiten anderer Staaten	عدم مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر
Nichteinmischungspolitik	سیاست عدم مداخله
nichtig	باطل
als - ansehen	باطل تلقی کردن
für - erklären	باطل اعلام کردن
Nichtigkeit	بطلان
Nichtkämpfer	غیر محارب
Nichtkernwaffenstaat	دولت غیر اتمی
nichtkonvertierbar	غیر قابل تبدیل

Nichtkombattant	غیر محارب
Nichtmitglied	غیر عضو
Nichtmitgliedsstaat	دولت غیر عضو
nichtpaktgebunden	غیر متعهد -
Nichtpaktgebundenheit Politik der -	عدم تعهد سیاست عدم تعهد
Nichtteilnahme	عدم شرکت
Nichtübereinstimmung	عدم مطابقت / تطبیق
Nichtverbreitung von Kernwaffen	عدم انتشار سلاحهای هسته‌ای
Nichtvertragsstaaten	دولت های بیرون پیمان
Nichtzuständigkeit	عدم صلاحیت
Niedergang - der Demokratie	انحطاط انحطاط دموکراسی
Niederlage militärische -	شکست شکست نظامی
Niederlande	هلند
Niederländer	هلندی
niederländisch	هلندی (صفت)
Niederlassungsfreiheit	آزادی اقامت / سکونت
Niederlassungsrecht	حق اقامت / سکونت
Niederlassungsvertrag	قرارداد اقامت / سکونت
niederlegen ein Amt - die Arbeit - einen Kranz - die Waffen -	استعفا کردن ، دست کشیدن از ، گذاشتن ، بر زمین نهادن از مقامی استعفا دادن دست از کار کشیدن تاج گل گذاشتن سلاحها را بر زمین نهادن
niederschlagen einen Aufstand -	عصیان را فرو نشان دادن
Niederschlagung - eines Aufstandes	فرونشانی فرو نشان دادن عصیان
Niederschrift wörtliche -	تحریر تحریر لفظی
niederwerfen	فرو نشان دادن ، بر انداختن ، خوابانیدن
Niederwerfung	فرونشانی
Niedrigzinspolitik	سیاست بهره نازل

Nigerianer	نیجریه‌ای (اهل)
nigerianisch	نیجریه‌ای (صفت)
Nikaraguaner	نیکاراگوئه‌ای
nikaraguanisch	نیکاراگوئه‌ای
Niemandsland	سرزمین بی صاحب
Nihilismus	نیست انگاری ، لاگرائی
Nihilist	نیست انگار ، لاگرا
Niveau	سطح
nivellieren	هم سطح کردن ، همپایه کردن
Nivellierung	همپایگی
Nobel - Friedenspreis	جایزه صلح نوبل
Nobelpreis	جایزه نوبل
Nomenklatur	مجموعه اصطلاحات ، نامگزاره
Nomenklatura	فهرست مقامات رهبری (در شوروی) طبقه حاکمه
Nomenklaturkoordinierungsausschuß	کمیسیون هماهنگی نامگزاری
nominal	اسمی
Nominaleinkommen	درآمد اسمی
Nominalkapital	سرمایه اسمی
Nominalwert	ارزش اسمی
nominell	اسمی
nominieren	نامزد کردن ، معرفی کردن کاندیدا
Nominierung	نامزدی سازی ، تعیین کاندیدا
Nominierungsausschuß	هیات تعیین کاندیدا / نامزد
Nominierungsverfahren	روش تعیین کاندیدا / نامزد
Nominierungswahl	انتخابات تعیین نامزد / کاندیدا
Nomokratie	حکومت قانون
Nonproliferation s. Nichtverbreitung von Kernwaffen	عدم انتشار
Nordatlantiktakt	پیمان آتلانتیک شمالی

Nordatlantikpakt-Organisation	سازمان پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)
Nordatlantikrat	شورای آتلانتیک شمالی
Nordatlantikvertrag	قرارداد آتلانتیک شمالی
Nordischer Rat	شورای شمال
Nord-Süd-Gefälle	اختلاف سطح زندگی شمال و جنوب
Norm	معیار ، قاعده
-en des Völkerrechts	معیارهای حقوق بین الملل
normalisieren	عادی کردن
die Lage -	وضع را عادی کردن
Normalisierung	عادی کردن ، اعاده
- der Beziehungen	عادی کردن روابط
- der Lage	عادی کردن وضع
Normalisierungsprozeß	روند عادی شدن
Normalisierungsvertrag	قرارداد عادی کردن
Normenausschuß	کمیسیون استانداردها / معیارها
Norweger	نروژی (اهل)
norwegisch	نروژی (صفت)
Notabeln	اعاظم ، رجال
Note	یاد داشت
diplomatische -	یاد داشت دیپلماتیک
vertrauliche -	یادداشت محرمانه
eine - überreichen	یادداشتی تسلیم کردن
Notenaustausch	مبادله یادداشت
Notenbank	بانک مرکزی
Notenbankpolitik	سیاست بانک مرکزی
Instrumentarium der -	ابزار سیاسی بانک مرکزی
Notenwechsel	مبادله یادداشت
Notetat	بودجه اضطراری
Notifikation	تذکار
notifizieren	متذکر شدن ، تذکر دادن
Notifizierung	تذکار
Notparlament	مجلس / پارلمان اضطراری
Notprogramm	برنامه اضطراری
Notstand	وضع اضطراری
den - ausrufen	وضع اضطراری اعلان کردن

den - verkünden	وضع اضطراری اعلان کردن
äußerer -	وضع اضطراری خارجی
innerer -	وضع اضطراری داخلی
nationaler -	وضع اضطراری ملی
öffentlicher -	وضع اضطراری عمومی
Notstandsgebiet	منطقه اضطراری
Notstandsgesetze	قوانین اضطراری
Notstandsklausel	مادهء وضع اضطراری
Notstandsmaßnahmen	اقدامات وضع اضطراری
Notstandsrecht	حق وضع اضطراری
Inanspruchnahme des -s	استفاده از حق وضع اضطراری
Notstandsverfassung	قانون اساسی اضطراری
Notverordnung	فرمان اضطراری
Notwehr	دفاع نفس
notwendig	ضروری
Notwendigkeit	ضرورت
Novelle	طرح اصلاح قانون
novellieren	قانونی را اصلاح کردن
Novellierung	اصلاح قانون
NPD	حزب دموکرات ملی
Abk. f.: National Demokratische Partei Deutschlands	
nuklear	هسته‌ای
Nukleare Planungsgruppe	گروه برنامه ریزی هسته‌ای
Nukleararsenal	ذخایر هسته‌ای / اتمی
Nuklearausschuß	کمیسیون هسته‌ای
Europäischer -	کمیسیون هسته‌ای اروپا
Nukleareinheiten	واحدهای هسته‌ای
Nuklearenergie	انرژی هسته‌ای
Nukleargefechtskopf	کلاهک جنگی هسته‌ای
Nuklearkrieg	جنگ هسته‌ای
Nuklearmacht	قدرت هسته‌ای
Nuklearpotential	قوهء هسته‌ای
Nuklearstrategie	استراتژی هسته‌ای
Nuklearstreitkräfte	نیروهای هسته‌ای

Nuklearwaffen	سلاحهای اتمی
null und nichtig	کأن لم یکن ، باطل
Nuntius apostolischer -	سفیر پاپ سفیر رسالت
Nuntiatur	سفارت واتیکان
Nutzen gegenseitiger - - ziehen aus	فائده ، نفع نفع متقابل استفاده بردن
Nutzung friedliche -	استفاده ، کاربرد کاربرد مسالمت آمیز
NV-Vertrag Abk. f.: Nichtweiterverbrei- tung von Atomwaffen	قرارداد عدم انتشار سلاح های اتمی